

ایشان سخن باشد و از ادب فاسقه خوانند و سبب  
اجتماع ایشان توافق در عقاید باطل باشد و از ادب متعالی خوانند  
و چون بیایم در دلی حضرت صاحب قرانی در امور زمانی جمیع  
مخروضه از قبل مد نظر شده و حال مد نظر فاضله حکم مضار  
از حال مد نظر فاضله متواند است صرف عنایت بتفاهل  
مدینه فاضله اولی بود و ان مدینه ایست که اساس اجتماع اهل آن  
بر قواعد کسب معاد است و دفع شرور مؤسس باشد و مر این  
ایشان را در اعتقادات و اعمال صالحه اشتراک باشد و با وجود  
اختلاف اشخاص در تبارین احوال طریق سیر ایشان متوافق باشد  
و هر یک غایت متادی شوند و چون بنا بر حکمتی که سابقاً ابایی  
بان رفت نفس انسان در مراتب توت نطق و تیز شفا  
اند مرتبه اولی که از انفس قدسیه خوانند بعالم عقول متصل  
و مرتبه اسفل که پلید متناهیست مرتبه برابط با هم است پس  
ادراک این جماعت در امور مبدأ و معاد که آفاق امر حکمت  
و شریعت در یک مرتبه خوانند و پس توافق در عقاید که با ایشان

انز

رفت برین وجه صورت بند که همه در امری مجمل شریک باشند  
اگر چه غیر محقق بر تفاهل آن اطلاع نباشد و پاشش ایک  
طبقه عالی که بتائید الهی مؤیدند و از الواث تعلقات طبعی مجر  
بدیهیتی را بصفات جلال و سمات جمال دانند و بر کیفیت صد  
سلسله موجودات از مبدأ و ترتیب واقع مطلع باشند و معاد  
نفس را بر وجهی که مطابق نفس الام باشد تصور نموده و چون  
نفس را در این نشاء تعلق و قوتی چند هست که سبب آن  
ادراک صور معانی و جمالی میکند چون حسن مشترک و هم و خیال  
و ان قوی را بحسب اختلاف امر ج در صفات و کدورت مراتب است  
و در هیچ وقت هیچیک ازین قوی نه در خواب و نه در بیداری معطل  
نیست پس در احوال که نفس انسان بصورتان مختلف نقش  
باشد هر این در این ان قوی صورت مثالی ملایم ان معانی  
منعکس شود چرا که معانی ساده جزلی شوب صورتی و بی  
در نشاء تعلق بسیار نادراست نسبت ان صور بان تمام  
نسبت مثل خیالات است با عیان و ان مثل اشرف و اللطف